



چای خانه آل طاها در اجتماع شبانه طبرسی شمالی
 بیش از ۴ ماه است که روی انگشت جوان ها و نوجوان ها می چرخد

۵۴

روایت یک هم بستگی زیر خیمه آل طاها

عکس: فهیمه فرخی / شهر آرا

بانوی هنرمند محله کوی مهدی
 هنر گوهر تراشی خانواده رازنده نگه داشته است

میراثی از دل سنگ

۶



۷ در دومین سالگرد شهادت مرزبان مشهدی
 پلاک افتخار بر سردر خانه اش نصب شد
 این خانه، شهید دارد

۷ نوجوان محله تلگرد
 شناگر قهرمان و دانش آموز ممتاز است
 تلاش برای مدال
 و روپوش پزشکی

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.



○ خدمت بی دریغ به کودکان

مسجد پنج تن آل عبا^(ع) در روزهای ۱۶ تا ۲۵ تیر، میزبان حدود ۲۵ زائری خواهد بود که برای حضور در مراسم تشییع رهبر شهید به مشهد می آیند. از آنجا که کودکان، بخشی از جمعیت زائران مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی را تشکیل می دهند، فعالان مسجد در فراخوانی که به بانوان محله گاز داده اند، از آن ها خواسته اند اگر در نگهداری از کودکان و انجام کارهای تربیتی تخصص دارند، برای خدمت به زائران کم سن و سال رهبر شهید، اعلام آمادگی کنند. علاوه بر مردم، مربیان پیش دبستانی اطهر برای انجام خدمت در روزهای ۱۵ تا ۲۱ تیر، همراهی خود را اعلام کرده اند.



○ از چادر تا پرچم، نذر عزاداری

فرزانه شهامت | مسجد امیرالمؤمنین^(ع) واقع در خیابان مسلم شمالی یک، در حال جمع آوری چادرهای مشکی دست دوم و بدون استفاده بانوان است. این چادرهای سیاه قرار است با کمک بانوان خیاط محله گاز، به پرچم تبدیل شده و برای شرکت کنندگان در مراسم تشییع رهبر شهید و نیز سیاه پوشی همه خانه ها و مغازه های محله از آن ها استفاده شود. آن طور که عالییه مرادی، فرمانده پایگاه بسیج خواهران اسما، می گوید مسجد امیرالمؤمنین^(ع)، در فهرست مساجد میزبان زائران مراسم تشییع قرار دارد؛ از این رو با کمک اهالی محله گاز، وسایل مورد نیاز پذیرایی زائران مثل پتو، بالش، ماشین لباس شویی در حال تدارک و جمع آوری است. همراهی بانوان این محله تا آنجاست که اعلام کرده اند اگر تعداد ماشین های لباس شویی به اندازه نیاز زائران نباشد، با دست، لباس های زائران را خواهند شست.

○ جامانده از تشییع، پیشگام در خدمت

هرچند محله مهرگان به دلیل دوری از هسته مرکزی شهر، امکان اسکان زائران مراسم خاک سپاری رهبر شهید را ندارد، بانوان محله، خود را به قافله خدمت به مهمانان آقا رسانده اند. بر اساس برنامه ریزی های صورت گرفته، تعدادی از مدارس بولوار طبرسی شمالی، از امروز یکشنبه، میزبان زائرانی از استان سیستان و بلوچستان خواهد بود و بانوان بسیجی پایگاه حضرت رقیه^(س) در مسجد آسمان، خدمت به این زائران را تقبل کرده اند. بانوان داوطلب، با وجود ارادت به رهبر شهید انقلاب اسلامی، پذیرفته اند که در مراسم تشییع و خاک سپاری ایشان حضور نداشته باشند تا مراقبت از فرزندان زائران را به عهده بگیرند. آن ها می خواهند با هدایایی که از محل کمک های مردمی جمع کرده اند، مهمانان خردسال مراسم تشییع رهبر شهید، خاطره ای خوش از این سفر را به سوغات ببرند.



○ مهمان نوازی به سبک زوج عباس آبادی

موسی درودی و ناهید وکیل زاده، زوج ساکن محله عباس آباد، برای میزبانی از مهمانان مراسم تشییع رهبر شهید در منزل خود، اعلام آمادگی کرده اند. آن ها از هفته پیش، هر آنچه در توان داشته اند، پای کار آورده اند تا در ذهن مهمانان، خاطره ای خوب از سفر به مشهد به یادگار بماند. نظافت منزل، فضا آرایی با نصب پرچم های مشکی و تمهید وسایل اولیه میزبانی، کارهایی بوده است که تاکنون انجام داده اند. آن ها می گویند علاوه بر تدارک جایزه هایی برای فرزندان خردسال زائران، چند جلد کتاب هم برای مهمانان رهبر شهید در اتاق های پذیرایی گذاشته اند.



بامحوریت مسجد امیرالمؤمنین^(ع) و مجموعه تربیتی «از نور تا ظهور» طرح «نوجوانان با نشاط» برگزار می شود
تربیت در میدان بازی

طرح تربیتی «نوجوانان با نشاط» به همت مجموعه تربیتی «از نور تا ظهور» و بامحوریت مسجد امیرالمؤمنین^(ع) در محله مهرگان در حال برگزاری است. در این طرح، نوجوانان محله در برنامه های متنوع ورزشی، بازی های گروهی و فعالیت های تربیتی شرکت می کنند. مربیان جوان مجموعه «از نور تا ظهور» تلاش کرده اند تا مفاهیم اخلاقی، مهارت های زندگی، مسئولیت پذیری، کار گروهی و احترام به دیگران را به شیوه ای غیرمستقیم و در قالب بازی و فعالیت های جذاب به نوجوانان منتقل کنند.



شست و شوی مستمر مخازن زباله در منطقه ۳

در راستای حفظ بهداشت عمومی، ارتقای سلامت شهروندان و پیشگیری از انتشار بوی نامطبوع، در خرداد ۱۴۰۵، تعداد ۵۵۰ مخزن زباله منطقه ۳ در مجموع ۱۰ هزار و ۳۰۰ بار با محلول جرم ساید شست و شو و ضد عفونی شد. همچنین بیش از ۶۱ هزار و ۸۰۰ متر از کانال های روباز و مسیرهای جمع آوری آب های سطحی لای رویی شد.

آسفالت نودر کوچه های قرقی

هفته پیش، کوچه های شهدای یک و کوچه شهید کشمیری ۶۲ در محله قرقی روکش آسفالت شد. برای این پروژه که چهارصد متر مربع مساحت داشت، شهرداری اعتباری بالغ بر ۲ میلیارد ریال و ۴۳ تن آسفالت مصرف کرده است.

با انتقال ۱۷۷۰ تن خاک و نخاله، پاکیزگی برگشت

ماه گذشته، اداره خدمات شهری ۱۷۷۰ تن خاک و نخاله ساختمانی از معابر و محله های منطقه ۳ جمع آوری و به محل های مجاز منتقل کرد. بخش عمده این نخاله ها از محلات رسالت، مهرگان، قرقی، عباس آباد و بهمن جمع شده است.



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

۴



● همت برادران الوندی برای آسایش زائران

برادران الوندی، از شهروندان محله گلشور هستند که در یک مجتمع مسکونی پنج واحدی به همراه مادر خود زندگی می کنند. آن ها تصمیم گرفته اند پارکینگ مجتمع مسکونی شان را برای اسکان زائران رهبر شهید اختصاص دهند. آن ها که پیش از این، لذت میزبانی های از این دست را در دهه اول محرم و دهه پایانی ماه صفر چشیده اند، حضور مهمانان رهبر شهید را مایه مباهات و برکت زندگی خود می دانند. برای تجهیز این پارکینگ با وسعت تقریبی ۲۵۰ متر مربع، مسجد امام سجاد (ع) پای کار آمده و با دادن موکت، پنکه و کولر، فضا را بیش از پیش، مهیای میزبانی کرده است.



● دست به دست هم برای میزبانی

فرزانه شهامت اعلی پرهیزگار، محمد اژدری و علیرضا سالاری، سه تن از شهروندان محله رده هستند که مسجد امام رضا (ع) در پنجتن ۳۴ را پاتوق فعالیت های خیر خود قرار داده اند. هر چند آشپزی، شغل اصلی آن ها نیست، در این حرفه، مهارت دارند و از مهارتشان، برای کارهای عام المنفعه و بدون چشمداشت مادی استفاده می کنند. حضور میلیونی زائران در مشهد برای شرکت در مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی، بهانه ای تازه برای خیرخواهی این سه آشپز خیره شده است؛ به طوری که آن ها تقبل کرده اند در روزهای میزبانی از ۳۵ زائر رهبر شهید در این مسجد، پخت و وعده های صبحانه، ناهار و شام را برعهده بگیرند.

● خدمت سازمان یافته به مهمانان رهبر شهید

هر چه منتظر ماندند، برنامه روشنی از سمت دستگاه های مسئول برای سامان دهی ظرفیت های مردمی محله تلگرد به دستشان نرسید. بنابراین خودشان دست به کار شدند تا ارادتمندان رهبر شهید در محله را برای میزبانی شایسته از مهمانان مراسم وداع، پای کار بیاورند. در جلسه ای که سه شنبه پیش به میزبانی مسجد جواد الائمه (ع) برگزار شد، همه تشکل های مردمی حضور داشتند؛ از اعضای شورای اجتماعی تا شش مسجد، سه خیریه فعال و گروه های جهادی محله. نتیجه بحث و گفت و گوها هم شد تشکیل هشت کارگروه و تعیین مسئولان آن، شامل اسکان زائران در منازل، خدمات نظافت، امنیت، رسانه، فرهنگی، حمل و نقل، نیروی انسانی و درمانی. مسئولان این ستاد می گویند هدفشان یک چیز است و آن، حضور سازمان یافته جهادگرانی که هر یک با تخصص خود، خادم دلدادگان این مراسم تاریخی خواهند بود.



● تلاش برای میزبانی شایسته

وقتی خبر رسید که مدرسه چهارده معصوم (ع) در کوچه شهید قربانی ۱۶ یکی از ۹ هزار مدرسه منتخب مشهد برای اسکان زائران مراسم قائد شهید است، بلافاصله بانوان بسیجی حوزه ۲ حضرت مریم (س) آستین همت بالا زدند تا این مدرسه را که به دلیل شرایط جنگی، چند ماهی تعطیل شده بود، رفت و روپ کنند. این نوزده بانوی جهادگر، از صبح زود تا حوالی عصر توانستند سی کلاس مدرسه، سرویس های بهداشتی و نمازخانه را با شست و شو، تی کشیدن، گردگیری و پهن کردن فرش های تمیز، برای میزبانی از مهمانان مراسم تشییع آقا آماده کنند.



بزرگراه شهید با نظر با جدول نو

اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۴ عملیات تعویض ۱۸۰ متر جدول فرسوده در حاشیه بزرگراه با نظر را در دستور کار خود قرار داد و این پروژه هفته گذشته به پایان رسید. این اقدام علاوه بر کاهش مشکلات ناشی از فرسودگی جدول، در بهبود سیمای شهری و افزایش کیفیت خدمات رسانی به شهروندان نیز مؤثر است.



پیگیری شهرآرامحله و همراهی اداره خدمات شهری، فوراً به نتیجه رسید

آسودگی خیال اهالی در اجتماعات شبانه

محمدرضا فیضی اجمع آوری خاک و نخاله های اطراف کلانتری و محل برگزاری اجتماع شبانه مردم انقلابی بولوار پنجتن، مطالبه ای بود که یکشنبه هفته گذشته مخاطبان شهرآرامحله با ما در میان گذاشتند. این درخواست بلافاصله به کارشناسان اداره خدمات شهری منطقه ۴ منتقل شد و کمتر از دوازده ساعت بعد، یک دستگاه توماس و یک کامیون برای پاک سازی محل اعزام شد. در این عملیات، حجم شایان توجهی از خاک، نخاله های ساختمانی و شیشه های شکسته که می توانست برای کودکان و نوجوانان حاضر در برنامه خطر آفرین باشد، جمع آوری شد. همچنین زمین محل برگزاری مراسم تسطیح شد تا شهروندان بتوانند با ایمنی و آسودگی بیشتری در اجتماع های شبانه حضور پیدا کنند.



رفع ۲۹۲ مورد نازیبایی در منطقه

شهرداری منطقه ۴ از ابتدای سال تا پایان خرداد، ۲۹۲ مورد نازیبایی بصری در سطح منطقه را برطرف کرده است. پاک سازی آگهی های غیر مجاز، امحای دیوار نویسی، رنگ آمیزی دیواره ها، رفع سد معبر و سامان دهی فضاهای شهری از مهم ترین اقدامات انجام شده است.

ادامه آسفالت معابر در محله های منطقه

به منظور بهبود کیفیت معابر، تسهیل تردد شهروندان و ارتقای زیرساخت های شهری، عملیات آسفالت و بهسازی معابر پنجتن ۵۵، شهید کمالی ۱۴، انتهای کوچه پنجتن ۳۴، کوچه شهید با نظر ۵۹، کوچه شهید آوینی ۱۰، کوچه شهید قادری ۹ و مسیر انتهای کوچه شهید بوکانی ۲ تا مقابل مدرسه امام هادی (ع) اجرا شد.



روایت یک هم بستگی زیر خیمه آل طاها

چای خانه آل طاها در اجتماع شبانه طبرسی شمالی، بیش از ۴ ماه است که روی انگشت جوان ها و نوجوان ها می چرخد



سکینه تاجی چند متری مانده به مقصد، حتی در همه جمعیتهای که پرچم به دست در رفت و آمدند، باز هم می توان صدای به هم خوردن استکان ها و سینی ها را شنید. نزدیک تر که می شوم، نوای نوحه موکب و سرخی کتیبه های محرمی چشم و گوشم را نوازش می کنند. نوجوانی یک سینی استکان را گذاشته است روی پیشخوان و دیگری با کتری یکی یکی پرشان می کند و نوجوان دیگری هم با سرعت استکان های نشسته را جمع می کند و می برد. اینجا خیمه عزای آل طاها، تقاطع طبرسی شمالی ۴ و میدان فجر است؛ جایی که دقیقاً چهار ماه است هیچ شبی، اجاق کتری و آتش سماورهای خاموش نشده است. از شب های سرد آخرین روزهای زمستان و چای وقت افطار گرفته، تا این روز و شب های تابستانی که کام خشک مردم عزادار را به آب و چای و شربت ترمی کنند.



«یار!»
پاتوق شاد
بچه های
هیئتی

چایم را جرعه جرعه سرمی کشم و چشم می چرخانم میان مردم؛ فارغ از سن و سال و ظاهر، کنار هم ایستاده اند. بعضی برای نوشیدن یک استکان چای آمده اند، بعضی برای کمک و بعضی فقط برای آنکه قطره ای در اقیانوس بعثت مردم باشند. استکان را می گذارم و با تشکر و اجازه می روم داخل آبدارخانه ای که بیشتر اداره کنندگان آن پسران نوجوان هستند. دیدنی است. کارها تقسیم شده است و مثل ساعت هر کدام مشغول کاری اند. نوجوان هایی که تا چند ماه پیش، تنهاره گذر این خیابان بودند، حالا وسط ماجرا ایستاده اند و یک گوشه کار را گرفته اند روی شانه هایشان.

در همه سال هایی که کانون یارا و بعد ها موکب آل طاها، کار خود را آغاز کرد، ما همه دهه شصتی و هفتادی های پای کار بودیم؛ حالا ما این نوجوان ها در این شرایط، خود به خود شده اند اصل کاری و همه کارها را دست گرفته اند. این ها را سعید زراعتکار می گوید، کسی که حدود ۱۰ سال دست اندر کار فعالیت های کانون یارا و بعد از آن، ایده پرداز برنامه های جشن و شادی در موکب آل طاها بوده است. کانون یارا یک کانون فرهنگی مذهبی است که محل استقرار آن، مهدیه ای در طبرسی شمالی است که به شهید علیرضا بابایی تعلق دارد و مادر این شهید آن را وقف کرده است. از فعالیت های این کانون می توان به برگزاری دعای ندبه در صبح های جمعه و جلسه هفتگی قرآن و ویژه نوجوانان با تدریس استاد علی غلامی اشاره کرد.

زراعتکار دلیل برپایی موکب این کانون را شرح می دهد: «ایده برپایی موکب آل طاها از آنجا آمد که در واکنش به تبلیغات سمی فضای مجازی درباره اقبال مذهبی و بچه هیئتی ها، تصمیم گرفتیم به جای فعالیت در ایام عزاداری، که شکر خدا افراد بسیاری پای کار آن هستند، برنامه های جذاب و باشکوهی را در اعیاد مختلف اجرا کنیم. خواستیم کاری کنیم که بچه مذهبی ها را فقط با اشک و عزای نشناختن و این طور شد که در چهار مناسبت عید غدیر، نیمه شعبان، میلاد امام رضا (ع) و سیزدهم ربیع، موکب های بزرگ دویا سه روزه برگزار می شود و در سایر اعیاد و جشن های ولادت اهل بیت (ع) نیز در مقیاس کوچک تر، حتما موکبی برای جشن و شادی راه می اندازیم.»

این فعال فرهنگی درباره تأمین هزینه ها نیز توضیحاتی ارائه می کند: «اینکه هر یک از اعضای کانون یارا، با هر شغلی که دارند، سالانه بخشی از درآمد خود را برای فعالیت های موکب کنار می گذارند. به گفته سعید آقا، فعالیت این چای خانه به همت مردم ادامه یافته است؛ «در روزهایی که تجمعات مردمی آغاز شد، عملاً هیچ امکاناتی در محل وجود نداشت. در نخستین روزها آب جوش را بانیا سان به محل می آوردند، سماورها را به سختی راه می انداختند و حتی آب مورد نیاز را با تانکر تأمین می کردند. به مرور امکانات بیشتری فراهم شد و مردم هم پای کار آمدند تا چای خانه به وسعت امروزش درآمد.»



یکی از ابتکارهای جالب این موکب که با استقبال شهروندان هم روبه رو شد، حذف لیوان های یک بار مصرف پلاستیکی بود. در روزهایی که حملات به زیرساخت ها، تولید برخی محصولات پتروشیمی

مردم
همیشه
پای کار

را با چالش مواجه کرده و قیمت ظروف پلاستیکی نیز چند برابر شده بود. اعضای موکب تصمیم گرفتند سهم خود را در صرفه جویی ایفا کنند. زراعتکار می گوید: هر شب حدود ۵ تا ۶ هزار استکان چای بین مردم توزیع می کردیم و خرید لیوان های یک بار مصرف هزینه زیادی به موکب تحمیل می کرد. با خودمان گفتیم ما هم به اندازه توانمان در مصرف پلاستیک صرفه جویی کنیم. برای همین استفاده از لیوان های پلاستیکی را کنار گذاشتیم و از مردم خواستیم اگر استکان یا لیوان شیشه ای اضافه دارند، به موکب اهدا کنند. نتیجه این درخواست، فراتر از انتظار بود. از شب بعد، مردم یکی پس از دیگری استکان های شیشه ای خود را به موکب آوردند؛ تا جایی که تاکنون بیش از هزار استکان به این مجموعه اهدا شده است. حالا سینی های چای موکب، پر از استکان هایی است که هیچ کدام شبیه هم نیستند؛ اما همین تفاوت، روایتگر مشارکت مردم در یک کار جمعی است. این تصمیم، علاوه بر کاهش هزینه های خرید ظروف یک بار مصرف، به کاهش تولید زباله و مصرف پلاستیک نیز کمک کرده و به یکی از ویژگی های متفاوت این موکب تبدیل شده است.



آقای زراعتکار از شب های نخستین می گوید که بیش از ۶ هزار استکان چای توزیع می شد و شب هایی که تجمع کنندگان روزه های خود را با افطاری های ساده موکب باز می کردند اما از نگاه او، برنامه این چای خانه در روزهایی که گذشت، با مراسمی که طی سال های گذشته برپا شده یک تفاوت بسیار مهم دارد: «من به این نکته توجه کردم که در برنامه های قبلی مردم بیشتر مراجعه کننده بودند. اما اینجا بعد از روزهای اول، دیگر خودشان را صاحب کار می دانستند. بارها پیش آمد که زنان و مردان داوطلب شدند برای پذیرایی، جمع آوری استکان های کامک به دیگر کارهای موکب. اما مهم ترین فشر نو جوان ها بودند. از همان شب های اول می آمدند و التماس می کردند برای کمک؛ یکی می گفت: عمو، اجازه هست من چای بریزم؟ دیگری می گفت: عمو، من استکان ها را می توانم بشویم. یکی هم خودش خود جوش بین جمعیت چای می داد و استکان جمع می کرد. بعد کم کم پایشان به آبدارخانه باز شد و حالا بعد از چهار ماه می توانم بگویم همه کارهای موکب با دهه هشتادی ها و نودی هاست.»

دهه هشتادی ها وارد می شوند



«مردم» و گفتن از رفتار و کردار آن ها کلید واژه حرف های زراعتکار است. به گفته این فعال فرهنگی، اقشار مختلف جامعه به بهانه تجمع در کنار این چای خانه کنار هم قرار گرفته اند؛ از افرادی که به گفته خودش کارتن خواب بوده اند و برای جمع کردن استکان ها کمک می کردند تا کسانی که شاید ظاهرشان با فضای مذهبی همخوانی نداشت اما برای خدمت در موکب حاضر می شدند. او این تنوع را مهم ترین برکت تجمعات این روزها می داند. زراعتکار نه تنها به حضور گروه های مختلف مردم، بلکه به همیاری افرادی از ملیت های دیگر هم اشاره می کند: «برادران عراقی و افغانستانی شب های بسیاری کنار ما بودند. با ما همدلی و هم دردی داشتند. این گونه نبود که غم فقدان رهبر شهید را جدای از خودشان بدانند. این دوستی و برادری محکم تر هم شد. حتی حالا دو نفر از عزیزان مهاجر در جمع خادمان دائمی موکب مشغول خدمت هستند.»

یک غم بین المللی

از این خادم کهنه کار می پرسیم که به اعتقاد او بعد از همه این جریانات و اتفاقات چه چیزی در جامعه تغییر کرده است که دیگر به حالت قبل بر نخواهد گشت. نگاهی به جمعیت می اندازد؛ اگر چه چشم هایش عزادار است، برقی از شادی دارد. اشاره می کند به پرچم ایران کوچکی که بسته شده به دسته یک موتور سیکلت. بعد پرچم بزرگی روی شانه های نحیف یک نوجوان را نشان می دهد، و می گوید: بشمار در همین چند قدمی ما چند پرچم ایران وجود دارد؟ تا همین سال گذشته ما چقدر این پرچم و اهمیت آن را درک می کردیم؟ حالا ما عاشق این پرچمیم و حاضریم برایش جان بدهیم. کی فکرش را می کرد که یک روز کنار سیاهی ها و کتیبه های اعضای محرم پرچم سه رنگ ایران هم بشود جزو واجبات؟ این هم بستگی که زیر این پرچم شکل گرفته، به کوری چشم دشمن ها دیگر گسستی نیست و این از برکات این روزها بوده است.



مجید تقوی، دیگر دست اندر کار موکب و فعالیت های فرهنگی محله طبرسی شمالی است. حدود ۱۰ سال است که در فعالیت های مجموعه با او موکب آل طاها حضور دارد. می گوید کار ابتدا با موکب هایی کوچک آغاز شد و به مرور زمان وسعت پیدا کرد. به اعتقاد تقوی، مهم ترین تفاوت این ایام و کارهایی که صورت گرفت با سال های گذشته، حضور پررنگ نوجوان هاست؛ حالا دیگر کارهای موکب را بچه ها انجام می دهند و نیروهای قدیمی بیشتر نقش پشتیبان دارند. این نوجوان ها اگر چه اولش فقط برای برای کمک آمدند، در همین فضای خدمت، مسئولیت پذیری را تجربه کردند. بخش عمده سخنان آقامجید، درباره مردم و روایت های مردمی در حماسه حضور شبانگهی است. اما خاطره ای روشن تر از بقیه همچنان گوشه ذهن او مانده است: «یکی از شب ها خانم مسنی جلو آمد و کارتش را داد تا برای کمک به موکب مبلغی اهدا کند. وقتی از او پرسیدیم چقدر بکشیم، گفت: مادر جان ۲۰۰ هزار تومان توی کارتم دارم؛ ۱۰۰ هزار تومانش برای شما. به نظر من ارزش این کمک از کمک های مالی چند برابری بقیه بیشتر است؛ اینکه واقعا نیازمند باشی، اما در عین حال هنوز توانایی بخشش داشته باشی.»

پرچمها را بشمار



۱۵ سال خدمت، باتکیه بر همت بچه ها

مجید رنجبر

حدود پانزده سال پیش، هم زمان با عید نیمه شعبان، تصمیم گرفتیم یک موکب کوچک برپا کنیم. همه چیز با چند پارچ شربت شروع شد. اما همان قدم های کوچک، سال به سال بلندتر شد. به مرور مجوزهای لازم را گرفتیم. امکانات بیشتری فراهم کردیم و تجربه هایمان هم بیشتر شد. امروز، بعد از گذشت این سال ها، موکب به بلوغ رسیده است و هر سال منسجم تر و پخته تر از قبل فعالیت می کند. آنچه این موکب را از بسیاری جاهای دیگر متمایز می کند، روحیه بچه هاست. همه با عشق کار می کنند، بی آنکه دنبال دیده شدن باشند. هر کس هر کاری از دستش برآید، انجام می دهد و منتظر نمی ماند کسی مسئولیتی به او محول کند یا از او کاری بخواهد. همین احساس مسئولیت و اخلاص، ستون اصلی این مجموعه است. امسال برای برپایی برنامه های عید غدیر حدود ۲۰۰ میلیون تومان هزینه کردیم. بخشی از این هزینه از طریق وام تأمین شد و حالا با کمک های مردمی و همراهی خود بچه ها، اقساط آن را ماه به ماه پرداخت می کنیم. تاکنون از نهاد های خاص کمک مالی نگرفته ایم و همین روحیه جهادی، مشارکت مردمی و همدلی اعضای موکب باعث شده است این مسیر پس از پانزده سال همچنان با قوت ادامه پیدا کند.



چای خانهای که خانه دل شد

امیر حسین اسماعیلی، ۱۴ ساله

به واسطه آشنایی پدرم با یکی از دست اندرکاران موکب، با چای خانه آشنا شدم. قرار شد هر شب به اینجا بیایم و هر کاری که بود از دستم برمی آمد. انجام بدهم و منتظر نباشم کسی مسئولیتی به من بدهد یا کاری به من بسپارد. الان بیشتر از یک ماه است که هر شب نیرویی وصف ناشدنی من را به این محل می کشد. انگار دست خودم نیست. از چای ریختن و ظرف شستن و هر کاری که بتوان انجام داد، لذت می برم. خسته که نمی شوم هیچ؛ منتظرم که ساعت قرار برسد و فقط خودم را برسانم به چای خانه. بهترین خاطره ام در این شب ها، شبی بود که گفتند پرچم امام حسین (ع) را آورده اند به خیمه. دست از کار کشیدم که فقط بروم و پرچم را ببینم. وقتی پرچم را دیدم و لمس کردم، از امام حسین (ع) خواستم که عاقبت کارم شهادت باشد.



اینجا هم جبهه ای برای خدمت است

نیما محمدیان، ۱۳ ساله

وقتی در فضای مجازی دیدم که چای خانه نیرو می خواهد، احساس کردم اینجا هم جبهه ای برای خدمت برپاست. همان شب آمدم و از ریختن استکان های چای در موکب شروع کردم. حالا سه چهار ماه است که هر شب، از حدود ساعت ۹ تا ۱۱، خودم را به چای خانه می رسانم. با اینکه سرکار هم می روم، فعالیت در این محل برایم خستگی ندارد؛ برعکس، انرژی می گیرم. اینجا رفیق های خوبی پیدا کرده ام و خیلی ها دیگر ما را می شناسند. خانواده ام هم هر شب به دیدن می آیند و تشویق می کنند. حضور در چای خانه نگاه من را عوض کرده است؛ احساس می کنم بیشتر به مسیر انقلاب و خدمت نزدیک شده ام. اگر یک نوجوان از من بپرسد چرا هر شب اینجا هستی، فقط یک جواب دارم؛ می گویم دارم به امام حسین (ع) و کشورم خدمت می کنم. تا وقتی این چای خانه برقرار باشد، من هم کنار بچه های مانم و سهم خودم را در این خدمت ادا می کنم.



بانوی هنرمند محله کوی مهدی، هنر گوهتراشی خانواده رازنده نگه داشته است

میراثی از دل سنگ

۲۰



راه تجربه

زهره شریعتی اسنگ کوچک را زیر نور می چرخاند. چند لحظه با دقت به رگه هایش نگاه می کند و بعد نوک قلم را آرام روی آن می نشاند. هر ضربه، طرحی را آشکارتر می کند؛ گویی جان تازه ای به سنگ می دهد. کمتر کسی باور می کند زنی که روزی حسابداری خوانده، امروز دنیایش میان سنگ های زینتی و نقش هایی می گذرد که با صبر و ظرافت روی آن ها حکاکی می کند. ملیحه یزدانی، بانوی هنرمند محله کوی مهدی، نزدیک به ده سال است که حکاکی روی سنگ های زینتی را به صورت حرفه ای دنبال می کند؛ هنری که هم با روحیاتش سازگار است، هم امکان کار در کنار خانواده را برایش فراهم کرده و هم راهی شده تا میراث پدری و شغل خانوادگی شان، یعنی گوهتراشی، همچنان زنده بماند.

●● هنری که از خانه آغاز شد

خانواده یزدانی از قدیمی های کوچه نبوت هستند؛ خانواده ای که بیش از چهل سال است نامشان با گوهتراشی گره خورده است. از دهه ۸۰ نیز دو فرزند آخر خانواده به هنر حکاکی روی سنگ های زینتی روی آوردند و امروز هم اگر سراغ گوهتراشی های محله را بگیرید، بسیاری بی درنگ نشانی کارگاه یزدانی را می دهند. ملیحه یزدانی، متولد ۱۳۶۴ و کوچک ترین فرزند خانواده، با وجود تحصیل در رشته حسابداری، مسیر دیگری را برای زندگی اش انتخاب کرده است. او می گوید: مثل خواهرها و برادرهای بزرگترم که از نوجوانی کنار پدرم گوهتراشی را یاد گرفتند، من هم از بچگی با این فضا بزرگ شدم. همیشه برایم جالب بود که پدر یا برادرهایم چطور یک سنگ زمخت و بی روح را با حوصله به یک نگین زیبا تبدیل می کنند. همین علاقه باعث شد بعد از گرفتن دیپلم و از سال ۱۳۸۵ به پیشنهاد برادرهایم، حکاکی روی سنگ را به صورت جدی شروع کنم.

●● جذابیت جان دادن به سنگ

ملیحه یزدانی آموزش این هنر را نزد یکی از برادرهایم که استاد حکاکی و خوش نویسی بود، آغاز کرد. سال ها شاگردی و تمرین باعث شد کمتر از یک دهه بعد، خودش به هنرمندی حرفه ای تبدیل شود؛ هنرمندی که امروز طراح، حکاکی و تذهیب روی نگین های زینتی را به صورت تخصصی انجام می دهد. او در حالی که با دقت طرحی را روی نگین عقیق پیاده می کند، درباره بازار کارش هم می گوید: بیشتر روی نگین های رنگی کار می کنم، اما بعضی مشتری ها هم نگین خودشان را برای حکاکی می آورند. علاوه بر سفارش های بازار مشهد، از شهرهای دیگر هم مشتری دارم. عرب ها هم از سال ها پیش، از زمان کار پدر و برادرانم، جزو مشتری های ثابت خانواده ما هستند.

●● به هنرم پناه می برم

ملیحه یزدانی از آرامشی می گوید که این هنر به زندگی اش بخشیده است؛ آرامشی که به گفته خودش، هر وقت از چیزی دلگیر یا خسته باشد، دوباره او را پشت میز کار و مقابل نگین های می نشاند. او می گوید: بیشتر طرح هایی که روی نگین های منم، آیات قرآن یا اسماء متبرکه است.

عکس: فهیمه فرخی/شهرآرامش

که معمولا در فضای آرام و شخصی انجام می شود و به همین دلیل بیشتر حکاک ها در خانه یا کارگاه های شخصی فعالیت می کنند. شاید همین باعث شده است خیلی از خانم ها با این حرفه آشنا نباشند. حتی آشنا یانم وقتی کارهایم را می بینند، تعجب می کنند و باورشان نمی شود یک خانم بتواند در خانه چنین آثاری تولید کند. من هم برایشان توضیح می دهم که با سرمایه ای کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان می توان آموزش دید و این کار را شروع کرد. البته در این حرفه، بیشتر از سرمایه، حوصله، ذوق و خلاقیت است که موفقیت می آورد.

●● علاقه ای که مانع رها کردن شد

با همه علاقه ای که به این هنر دارد، ملیحه یزدانی از سختی های آن هم می گوید؛ سختی هایی که به مرور زمان، خودشان را در قالب ضعف بینایی یا مشکلاتی مانند آرتروز نشان می دهند. او معتقد است حکاکی، هنری است که صبر، دقت و تمرکز زیادی می خواهد و می گوید: اوایل کار، تمرکز و دقتی که این هنر می خواست، واقعا برایم سخت بود و بارها با خودم می گفتم از پیش بر نمی آیم، اما هرچه بیشتر یاد گرفتم و به کار مسلط شدم، علاقه ام اجازه نداد آن را کنار بگذارم. البته امروز بعضی از مراحل حکاکی را می توان با دستگاه لیزر انجام داد، اما به نظر من، اثری که از ابتدای آنها با دست خلق شود، ارزش و اصالت بیشتری دارد.

برای همین، بخش زیادی از زمان کارم را با وضومی گذرانم و همین موضوع حس آرامش و برکت خاصی به کارم می دهد. از طرف دیگر، باز خورد مشتری ها هم برایم انرژی بخش است. بارها پیش آمده است که مشتریانی از شهرهای مختلف ایران یا حتی کشورهای دیگر، عکس نگینی را که از من خریده اند، هنگام استفاده برایم فرستاده اند و با این کار، حسابی غافلگیر و خوشحالم کرده اند.

●● ذوق و خلاقیت حرف اول را می زند

او که می توان گفت تنها بانوی حکاک محله است، به خانم ها توصیه می کند اگر به مشاغل خانگی وبی درد سر علاقه مند هستند، از هنر حکاکی سنگ غافل نشوند؛ «ماهیت این کار به گونه ای است





در دومین سالگرد شهادت مرزبان شهیدی، پلاک افتخار بر سردر خانه‌اش نصب شد

این خانه، شهید دارد

کنند که جگرگوشه‌اش با عشق انتخاب کرده بود.

● پلی برای پیوند نسل جدید با شهید

سرگرد مجتبی بیهقی، معاون فرهنگی و اجتماعی فرماندهی مرزبانی خراسان رضوی، هم خودش را به مراسم رسانده است. او با اشاره به اجرای طرح «پلاک افتخار شهید» می‌گوید: خراسان رضوی ۲۹۳ شهید مرزبانی تقدیم امنیت کشور کرده و نصب پلاک افتخار بر سردر منازل این شهدا، اقدامی برای زنده نگهداشتن یاد و نام آنان در سطح شهر است.

بیهقی با بیان اینکه این پلاک‌ها نقش مهمی در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت دارند، می‌افزاید: نوجوانان و جوانانی که هر روز از مقابل این خانه‌ها عبور می‌کنند، یادیدن نام و تصویر شهید، کنجکاو می‌شوند درباره زندگی و رشادت‌های او بیشتر بدانند. به همین دلیل، «پلاک افتخار شهید» پلی برای آشنایی نسل جدید با قهرمانان امنیت و استمرار فرهنگ ایثار در جامعه است.

● آرزویی که در مرز تعبیر شد

امیرحسین شیخ‌هادی، دانشجوی رشته ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد، مرزبانی بود که با وجود فراهم بودن شرایط انتقال به منطقه ای امن، آگاهانه خدمت در دورافتاده‌ترین نقطه مرزی کشور را انتخاب کرد. او پنجم تیرماه ۱۴۰۳ در منطقه جکیگور هدف حمله اشرار قرار گرفت و در بیست و یک سالگی به شهادت رسید.

تازه است؛ «آخرین مرخصی‌اش بود. همان روزی که خبر شهادت آقای رئیسی را از تلویزیون اعلام کردند. امیرحسین خبر را که شنید، خیلی ناراحت بود. بلند شد و گفت: خوش به حال آقای رئیسی که شهید شد؛ کی نوبت ما می‌شود.»
مادر لحظه‌ای مکث می‌کند. انگار دوباره همان روز را زندگی می‌کند. بعد آرام ادامه می‌دهد: قسمت این بود که روز تشییع امیرحسین با چهلم آقای رئیسی یکی شود.
او از دل بستگی پسرش به امام حسین (ع) هم بر ایمان می‌گوید: از شب‌هایی که در برپایی خیمه‌های عزای سیدالشهدا (ع) خدمت می‌کرد و روز جمع کردن خیمه‌ها، بی‌اختیار اشک می‌ریخت و می‌گفت: «خدایا، سال دیگر هم زنده هستم که دوباره نوکر امام حسین (ع) باشم؟»
مادر، حرف‌هایش را بادعایی برای جوان‌ها به پایان می‌رساند: دعایی که آرزوی کند همه عاقبت به خیر شوند و راهی را انتخاب

محمد رضا فیضی این یادبود کنار در خانه خود نمایی می‌کند؛ تصویری از امیرحسین با لبخندی آرام، در حالی که کت و پیراهن سفید بر تن دارد و چهره‌ای جوان و امیدوار. پایین تصویر با حروفی درشت نوشته شده است: «یادبود دومین سالگرد شهادت مظلومانه شهید مرزبانی امیرحسین شیخ‌هادی»؛ جمله‌ای که نگاه هر رهگذری را برای لحظه‌ای روی این قاب متوقف می‌کند و یاد جوانی را زنده نگه می‌دارد که امنیت مرزهای کشور را با جان خود خرید.

امروز جمعی از اهالی و شورای اجتماعی محله گاز، مدیران بنیاد شهید، معاون اجتماعی فرماندهی مرزبانی استان خراسان رضوی، میهمان خانواده شهید امیرحسین شیخ‌هادی هستند؛ خانه‌ای که حالا با نصب پلاک افتخار شهید بر سردرش، بیش از گذشته، هویت خود را به شهروندان معرفی می‌کند.

● کی نوبت من می‌شود؟

همان ابتدای مراسم، که پلاک بر سردر خانه نصب می‌شود، صدای صلوات‌ها بالا می‌رود و جمع، آرام آرام وارد خانه‌ای می‌شوند که هنوز عطر صاحبش را دارد. گروه سرود می‌خواند. از خانواده شهید قدردانی می‌شود. دعا و روضه، رشته دل‌ها را به هم گره می‌زند. بعد از مادر شهید خواسته می‌شود چند کلمه‌ای حرف بزنند. همان لحظه، همه‌ها می‌خواهند. مهربی حمای دره از آخرین تصویری می‌گوید که از پسرش، امیرحسین در ذهنش مانده است: تصویری که با گذشت دو سال، هنوز



نوجوان محله تلگرد، شناگر قهرمان و دانش‌آموز ممتاز است

تلاش برای مدال و روپوش پزشکی



فرزانه شهمت اکودکی را با جست و خیزهایی در آب به یاد دارد که کم‌کم هدفمند شد و اکنون، برای سیده‌ترین سیدرضایی، نه فقط به ورزش قهرمانی و رقابتی سالم تبدیل شده است، بلکه تفریحی لذت‌بخش نیز به شمار می‌آید. امید محله تلگرد، هر چند در سیزده سالگی، صاحب چند عنوان قهرمانی در مسابقات استانی و ملی شناست، به گفته خودش، علاقه‌اش به دنیای علم پیش از دنیای پر نشاط شناست.

● نخستین بار شنا را کی تجربه کردی؟
آن طور که مادرم تعریف می‌کند، در چهار سالگی.

● پس احتمالاً خاطره چندانی نداری.
خیلی کوچک بودم. یاد نمی‌آید استخری که برای شروع یادگیری رفتیم، کجا بود. فقط از وقتی یاد می‌آید مشغول یادگیری و تمرین شنا بوده‌ام.

● خانواده، با این رشته ورزشی، آشنا بودند؟
مادرم نجات غریق است و آن موقع داشت دوره می‌دید برای گرفتن مدرک ناچگری و مربیگری.

● در این سال‌ها نگاهت به این رشته، تفریحی بود یا حرفه‌ای؟
کاملاً حرفه‌ای. به جز سالی که کرونا زیاد شد و مجبور شدم تمرین را کنار بگذارم، بقیه وقت‌ها، سه روز در هفته به کلاس رفتم.

کنم و در دانشگاه، پزشکی بخوانم.

● شده است تا به حال، از ادامه تمرین‌هایت منصرف شوی؛ مثلاً به خاطر دوری مسیور، شکست یا دلایل دیگر؟

به خاطر دوری مسیر خانه تا محل تمرین که نه. اما پیش آمده از عملکردم ناامید بشوم، در هر صورت اما نگذاشته‌ام این حس زیاد بشود.

● منظورت از ناامیدی از عملکرد چیست؟
مثلاً اینکه باید ماهی یک ثانیه از رکورد کم کنم. وقتی نتوانم، ناراحت و ناامید می‌شوم.

● کسی بوده که با دیدن علاقه و موفقیت‌های تو، به ورزش یا شنا، علاقه‌مند شده باشد؟
دوستان و هم‌کلاسی‌هایم خبر دارند از شرایط ورزشی‌ام اما واکنش آن‌ها در حد تشویق بوده است؛ یا اینکه بعد از قهرمانی‌هایم، می‌گویند باید شیرینی بدهی.

● سخت‌ترین رقابتی که تا الان داشته‌ای، چه بوده است؟
مسابقات انتخابی کشور در سال ۱۴۰۱ بود. بنا بود از هر استان، فقط پنج نفر انتخاب شوند. خیلی استرس داشتم. خدا را شکر من جزو پنج نفر برگزیده خراسان رضوی بودم و اعزام شدم برای مسابقات کشوری در شیراز.

● چندتا از افتخارات ورزشی‌ات را نام ببر.
عنوان شناگر برتر استان در مسابقات دانش‌آموزی سال ۱۴۰۴، قهرمان مسابقات لیگ شنا استان در سال ۱۴۰۴ و رتبه سوم کشور در مسابقات سال ۱۴۰۱ را به دست آوردم. تجربه ژیمناستیک و اسکیت هم داشته‌ام. اولی را قبل از اینکه به مرحله مسابقات برسم، رها کردم اما اسکیت را تا قهرمانی ادامه دادم و سال ۱۴۰۰، رتبه سوم استان را کسب کردم.

● هنوز هم برنامه‌ات همین است؟
از ده سالگی که وارد تیم هیئت شنا استان شدم، تمرین‌هایم هر روزه شده است.

● این تمرین‌های فشرده با درس و مدرسه، جور درمی‌آید؟
با برنامه ریزی، بله. درس داشته باشم، صبح‌ها زودتر بیدار می‌شوم یا شب‌ها دیرتر می‌خوابم و مطالعه می‌کنم. اگر هم درسم خیلی زیاد باشد، آن روز برای تمرین نمی‌روم؛ چون درس برایم مهم‌تر است.

● وضعیت درسی‌ات چطور است؟
معدل ۲۰ است.

● آفرین! برای آینده درسی‌ات چه برنامه‌ای داری؟
می‌خواهم سال آینده، رشته تجربی را انتخاب



محلات منطقه‌ها

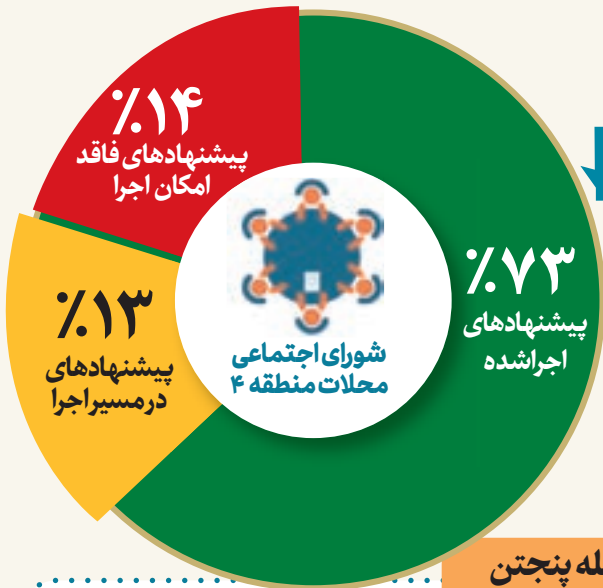
روایت خدمت

گزارش عملکرد شورای اجتماعی محلات منطقه ۴ (شش ماهه دوم ۱۴۰۴)

گستره خدمت: ۱۱ محله

بازوهای اجرایی: ۱۵۲ عضو منتخب مردم در شورای اجتماعی محلات

خروجی جلسات: ۲۱۵ پیشنهاد



۴



منتخبی از پیشنهادهای اجرایشده

در شورای اجتماعی محلات منطقه ۴ رابا هم مرور کنیم

محله ایثار

- نصب پلاک افتخار بر سردر منازل ۵ شهید محله
- برگزاری جشن نیمه شعبان با مشارکت شهرداری
- پیگیری رفع معضل موش هادر محله
- پیگیری وضعیت کودکان بازمانده از تحصیل
- برنامه ریزی برای برگزاری نمایشگاه دستاوردهای بسیج
- تجلیل از پدربزرگ های نمونه محله

محله شهید قربانی

- برگزاری همایش پیاده روی عمومی در دهه فجر و نیمه شعبان
- نصب پلاک افتخار بر سردر منازل چهار شهید محله
- اجرای طرح «مشهد مهربان ۲» و اهدای ۳۰ بسته تحصیلی به دانش آموزان نیازمند
- برنامه ریزی سفر زیارتی گروهی برای معلولان، مادران شهدا و جوانان محله
- تجلیل از پرستاران محله

محله وحید

- پیگیری اجرای مصوبه آذین بندی محله مقابل مسجد محمدیه در مناسبت های ملی مذهبی
- اجرای طرح دورهمی بانوان با رویکرد توانمندسازی اجتماعی
- نصب پلاک افتخار شهید زارعی بر سردر منزل این شهید
- اجرای پویش «مشهد مهربان ۲» همراه با اهدای ۲۰۰ بسته تحصیلی به دانش آموزان کم برخوردار

محله التیمور

- تشکیل کارگروه «مشهد مهربان» و سرکشی به خانواده های کودکان بازمانده از تحصیل
- پیگیری جمع آوری خاک و نخاله و سامان دهی معضل کارتن خواب ها و معتادان پشت مدرسه ایمان
- پیگیری آسفالت خیابان های پنجتن ۶۱ تا ۹۱

محله طلاب

- پیگیری اصلاح خط BRT بولوار طبرسی با همکاری شوراهای اجتماعی محلات هم جوار
- نصب پلاک افتخار بر سردر منازل سه شهید محله
- اجرای پویش افطاری ساده و تجلیل از پدربزرگ های نمونه محله

محله پنجتن

- پیگیری استقرار کانکس در مزار شهید گمنام بوستان ارم
- نصب پلاک افتخار بر سردر منازل چهار شهید محله
- اهدای ۵۰۰ بسته تحصیلی به دانش آموزان نیازمند
- پیگیری چاه جایی دکل برق ورودی پنجتن برای کاهش ترافیک
- پیگیری آسفالت کوچه پنجتن ۳ و سلمان ۱۰

محله کوی مهدی

- نصب پلاک افتخار بر سردر منازل چهار شهید محله
- اجرای دوره های آموزش شهروندی در زمینه مدیریت پسماند
- اجرای پویش «مشهد مهربان» برای آزادی زندانیان جرائم غیر عمد
- برگزاری همایش دو چرخه سواری
- تجلیل از پدربزرگ های نمونه محله با مشارکت مساجد محله

محله رده

- تجلیل از پدربزرگ های نمونه محله
- اهدای ۶۵ بسته تحصیلی به دانش آموزان نیازمند
- پیگیری اهدای ۲۰۰ جلد کتاب به مدرسه شهید کلاهدوز
- برگزاری آیین تقدیر از افتخار آفرینان و خانواده های معظم شهدای محله

محله تلگرد

- نصب پلاک افتخار بر سردر منازل ۱۴ شهید محله
- تشکیل کارگروه خدمات اجتماعی برای استفاده از ظرفیت های مردمی
- برگزاری نشست با ساکنان و مستأجران برای تعیین تکلیف اراضی

محله فجر

- اجرای پویش «افطاری ساده» در نقاط پرتردد محله
- نصب پلاک افتخار بر سردر منازل ۳ شهید محله
- تجلیل از پدربزرگ های نمونه محله

محله گلشور

- برگزاری همایش دو چرخه سواری همراه با نصب پلاک افتخار به مناسبت دهه فجر و اعیاد شعبانیه
- اجرای پویش «افطاری ساده» در نقاط پرتردد محله
- تجلیل از پدربزرگ های نمونه محله
- برگزاری آیین تقدیر از افتخار آفرینان و خانواده های معظم شهدای محله